

احقاد برای همه پرسی

English translation

نامه دانشجویان ایرانی به آزادگان جهان

جمعه 21 بهمن ماه 1384

به نام یزدان پاک
و به نام عشق، ایران و آزادی؛

ایران سرزمین من است. نام آن همیشه در تاریخ بوده است، تنها ۲۷ سال فراموشمان کرده بودند و در این سالها هرچه فریاد زدیم، کسی صدایمان را نشنید، و امروز دوباره برسر زبان ها هستیم با تهدیدی بزرگ که می خواهیم به فرصتی بزرگ تبدیلش کنیم. تهدیدی که از حماقت حاکمانان نشأت گرفته و با درایت مردمانمان به فرصت بیداری تبدیل خواهیم کرد.

همین حالا که برایتان می نویسم، همبازی های دوران کودکی ام، عربده کشان از دیوار سفارت دانمارک بالا می روند و آنجا را به آتش کشیده اند. کودکان معصومی که با هم «عموزنجیرباف» بازی می کردیم، حالا به دستور حاکمان نادان سرزمینمان زنجیره های انسانی را دور تاسیسات هسته ای تشکیل می دهند، تا تکنولوژی هسته ای را که قاچاقچیان پاکستانی سوار الاغ هایشان وارد مرزهای کشورمان کرده اند، بومی و ملی جلوه دهند و به بهانه حمایت از مقدسات در برابر توهین کاریکاتوریست ها، شاید بتوانند با فحاشی و آتش بازی پرونده هسته ای ایران را از شورای امنیت بازگردانند.

ما نسل بی گناه ایرانی که نقشی در این انقلاب نداشته ایم و امروز بیش از ۷۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می دهیم، در عین احترامی که برای تمام مردم روی کره زمین قائل هستیم، از آنها گله داریم.

ربع قرن ما را که مردمی با هوش، زیبا، نجیب و قدرتمند بودیم، به فراموشی سپردند و به حال خودمان رها کردند.

جانوران ترسناکی که سوار هواپیماها می شوند و به برج های دنیای مدرن می کوبند، خواهران و برادران معصوم و کوچک ما هستند که در مدارس به جای عشق و دانش، می آموزند که ریاکار، چاپلوس، کینه توز، خونریز، بی رحم، بدبین و مایوس باشند. از پیشرفت، تمدن و زیبایی و از هرچیز یا کسی که همانند مدیرمدرسه و رهبر حکومت نمی اندیشد، باید نفرت داشته باشند و همه آدم های بیرون مرزها را کافر، نادان و مستحق بدترین نوع مرگ بدانند.

تاریخ را برایشان تحریف می کنند و نمی گویند اگر چشم تیز بین دنیا، هیولای پنهان در ۲۸ مرداد را ندیده بود، حالا چگونه در هزارتوی بی خدایی، با ایدئولوژی های احمقانه تر از وضع امروزمان، دست و پنجه نرم می کردیم.

در مدارس از « استقلال » می گویند، اما آن را با غارنشینی اشتباه گرفته اند. همه ملت های دنیا به یکدیگر نیاز دارند و این نیاز زمینه ساز ارتباط سالم بشری و احترام و امنیت است.

در تمام این سالها صفحه سپید ذهن شاگرد مدرسه ای ها را با خرافات مذهبی پرکردند و از خوبی های نداشته حاکمان گفتند و از رهبری، که رهبر تمام دنیا است و جایی برای ملیت باقی نمانده است.

قصه ها در کتاب های درسی نوشتند که جوانان ایران نه برای دفاع

جرمی بزرگ در مدارس ماست.

ای کاش آنها که امروز از « فدرالیسم » می گویند، برای چند ساعت سرزده به مدارس ایران بیایند و حرف های عجیب را بشنوند، تا باورکنند که فدرالیسم در ایران امروز، یعنی تجزیه!

شاید چندین سال پس از آزادی، که دوباره کودکانمان عشق به میهن را آموختند، این واژه ایده ای مترقی و مقبول باشد. حاکمان ما سعی کردند به تاریخ دروغ بگویند ولی فراموش کردند که تاریخ دروغ نمی گوید.

روی سخن من با تمام مردم دنیاست.

جنایت واقعی که در سرزمین ما رخ می دهد، شست و شوی مغزی کودکان و تزریق ایدئولوژی های ددمنشانه حاکمان مذهبی در ذهن پاک آنهاست. خطر هرکدام از میلیون ها کودکی که هر روز در سانتریفوزهای مدارس و دانشگاه های ایران، غنی سازی می شوند، هزاران بار از بمب اتم بیشتر است.

کُره شمالی، سوریه، لبنان و سودان نیز وضعی بهتر از ما ندارند. باورکنید قبل از اینکه شما قربانیان تروریسم باشید، تروریست های بیچاره، خودشان، قربانیان معصوم تفکر حاکمان دیو صفت سرزمین هایشان هستند.

حاکمانی که برای بقا، از کودکان معصوم، بمب های متحرک برای کشتن و ایجاد وحشت می سازند. مبادا حالا که از پروژه انرژی هسته ای در تکاپوی نگرانی افتاده اید، پس از رفع نگرانی ها از این پرونده، دوباره ما را در دست زندانبان های سه دهه گذشته، به حال خود رها کنید.

ما به دستان توانمند مردم نجیب و فهیم دنیا، همه خواهان و

دوباره به آغوش جامعه متمدن بشری، به یاری مان بیایند. مردم ما در آستانه نابودی اند و از تحریم اقتصادی و سیاسی و هر چیزی که از شر ملایان خلاصشان کند، استقبال می کنند!

مردم بزرگ و محترم ایالات متحده آمریکا ۴۴۴ روز گروگانگیری تعدادی از فرزندانشان را در دستان این حکومت تجربه کرده اند. نگرانی و اضطراب آن روزها هنوز با آنها عجین است. به ما ملت فکر کنید که نزدیک به ده هزار روز گروگان کسانی هستیم که چند روزی است، نقاب انداخته اند و جهانیان چهره ترسناک بی نقابشان را دیده اند.

و حالا روی سخن با ایرانیان است

گرد هم آییم و فارغ از اینکه چه حکومتی باید در ایران آینده برسرکار بیاید، اصول مشترک عقایدمان را تدوین کنیم و پیش نویس میثاق ملی میهن را براساس پیمان های نیک جهانی بنویسیم و منتظر معجزه نمانیم. تکلیف نوع حکومت با ما نیست. آرای مردم در فردای آزادی، ما را تسلیم خواست همگانی خواهد کرد.

ما دانشجویان آزادیخواه ایرانی، از تمام مبارزان راه دشوار آزادی دعوت می کنیم، در «کنگره آزادی ایرانیان»، حضور یابند و یک بار برای همیشه اختلافات را کنار گذاشته و به کودکان ایران بیاندیشند.

شما که اجازه نمی دهید فرزندانتان در فیلم های سینمایی، صحنه های خشن ببینند، مبادا که روحشان آزرده شود، به خواهر و برادر یتیم و کوچک من فکر کنید که معلم دینی و ادبیات در مدرسه به او می گویند چگونه خون بریزد و چگونه چاشنی بمب را فعال کند، در حالی که (یا حسین) و (یا زهرا) می گوید و به بهشت می رود!!!

بیش از این تردید نکنید. به خود ببایید و نگذارید باور کنیم که «

آغوشتان را بگشایید تا ما جوانان خسته وطن بتوانیم آرامش و امنیت را تجربه کنیم.

باور کنید خسته ایم. در این چهار سال زندان، پایم را ناقص کرده اند و با دستی که زیر شکنجه شکسته اند می نویسم. از بین این کلمات صدای ارژنگ داوودی را که ۱۵ سال باید در بند جنایتکاران زندان بندرعباس بماند، بشنوید که بینایی و شنوایی اش را زیر شکنجه از دست داده است. صدای چکه های خون عزت ابراهیم نژاد شهید کوی دانشگاه، صدای نفس های به شماره افتاده سیامک پورزند و عباس امیرانتظام، صدای گریه همسر و دخترکان اکبرگنجی، ناله مادر محمدی ها، صدای دختر شیرین زبان مهرداد حیدرپور، صدای شهدای نوجوان دهه شصت، صدای طبرزدی، زرافشان، جوکار، باطبی، بختیاری، صدای آخرین ناله های دختران و زنان را که سنگسار می شوند، صدای نوجوان هایی که پیش از اعدام اشک می ریزند، صدای چکمه های بیچاره مردانی که پلیس حکومت شده اند و حالا تاول تمام سال های سرکوب پاهایشان را آزار می دهد، صدای مردم به گروگان گرفته شده ای را که خسته اما امیدوار در این اردوگاه اسیران - به وسعت ایران بزرگ - به بیگاری گرفته شده اند، بشنوید.

و صدای پدرم را و پدرانمان را که خاک ایران از گوشت آنها ساخته شده است و به آن عشق می ورزیم، بشنوید و اختلافات را در هر سطحی کنار بگذاریم و برای ایران و ایرانی دوباره یکدیگر را دوست داشته باشیم.

هزینه های بسیاری پرداخت کرده ایم، خاطره تلخ سال های زندان و شکنجه، سال های خون و وحشت و سرکوب، شاید هیچ گاه در تمام زندگی از ذهن ما و خانواده هایمان پاک نشود، اما آموخته ایم که مردم دنیا را دوست داشته باشیم. امنیت و احترام را نه با ساختن بمب اتم، که با عشق ورزیدن به انسان ها ایجاد کنیم.

سوسیالیست و نه اهل هیچ گروه و دسته ای نمی توانیم باشیم، تا وقتی که مردمان در اسارت هستند و کودکانمان هر روز غارنشینی و وحشی شدن را می آموزند. ما ایرانی، آزادیخواه و عاشقیم.

سال ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی) را سال « آزادی » می نامیم و دعوت می کنیم در نخستین روز فروردین این سال که مصادف با نه هزار و نهصدمین روز به گروگان گرفته شدن ایرانیان توسط گروه کوچکی از ملایان است، همه آزادیخواهان جهان، ایرانیان آزاده، با حمایت سازمان های جهانی « کنگره آزادی ایرانیان » را تشکیل داده و تلاش کنیم با فرصت اندک پیش آمده، ده هزارمین روز اسارت ایرانیان، نوید بخش « اتحاد برای آزادی » میهن باشد.

ایران هرگز نمی میرد

اسامی:

1- امیرعباس فخرآور (دانشجوی حقوق، نویسنده و روزنامه نگار، عضو موسس و عضو شورای مرکزی جنبش آزادی ایرانیان و دبیرجنبش مستقل دانشجویی. دبیرکل انجمن های علمی دانشگاه پیام نور و محکوم به هشت سال زندان سیاسی)

2- منوچهرمحمدی (دانشجوی حقوق و اقتصاد نظری و دبیرکل اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان. محکوم به ۱۵ سال زندان سیاسی)

3- ارژنگ داوودی (نویسنده و فعال سیاسی، از موسسین و عضو شورای مرکزی جنبش آزادی ایرانیان محکوم به ۱۵ سال زندان سیاسی در تبعید به زندان بندرعباس)

4- اکبر محمدی (دانشجوی علوم اجتماعی و عضو اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان. محکوم به ۱۵ سال زندان سیاسی)

5- مهرداد لهراسبی (فعال سیاسی. محکوم به ۱۵ سال زندان
سیاسی)

6- ایمان سمیع زاده (عضو جنبش مستقل دانشجویی و سخنگوی
برون مرزی جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

7- سام آریامنش (دانشجو و فعال سیاسی، سخنگوی درون مرزی
جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

8- پیمان عارف (فعال سیاسی دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه
تهران)

9- مهرداد حیدرپور (دبیرجنبش نوین کارگری، عضو جنبش آزادی
ایرانیان و محکوم به سه سال زندان سیاسی)

10- علی عالم زاده (عضو جنبش مستقل دانشجویی، دبیرتشکیلات
شرق اروپا، محکوم به یک سال زندان سیاسی)

11- امیرحشمت ساران (دبیرکل جبهه اتحاد ملی، محکوم به هشت
سال زندان)

12- مه لقا فخرآور (عضو جنبش آزادی ایرانیان و محکوم به دو
سال حبس تعلیقی سیاسی)

13- فرانک ضابطیان (فعال سیاسی، دبیرسازمان اتحاد ملی برای
رهایی میهن و جنبش آزادی ایرانیان)

14- پگاه فرزانه (دانشجو و فعال سیاسی، عضو جنبش آزادی
ایرانیان)

15- آریا آجرلو (دانشجو و فعال سیاسی، عضو جنبش آزادی

16- مجتبی وطنی (فعال سیاسی، عضو جنبش آزادی ایرانیان، محکوم به یک سال زندان سیاسی)

17- سعید یاریگر (فعال سیاسی، عضو جنبش آزادی ایرانیان، محکوم به یک سال زندان سیاسی)

18- شهلا محمودی (فعال سیاسی، عضو سازمان اتحاد ملی برای رهایی میهن و جنبش آزادی ایرانیان)

19- ستاره نامدار (دانشجو، عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

20- سایه نامدار (دانشجو، عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

21- ناهید نریمان (عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

22- مجید نریمان (عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

23- رزیتا راد (عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

24- فرخ لقا فخرآور (دانشجو، عضو جنبش آزادی ایرانیان، محکوم به یک سال حبس تعلیقی سیاسی)

25- آرش ایرانپور (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

26- ایراندخت باقری (دانشجو، عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش

27- آروین کاوه (دانشجو و فعال سیاسی، عضو جنبش آزادی ایرانیان و جنبش مستقل دانشجویی)

28- الهه بهنیا (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

29- مجتبی تقی پور (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

30- امیرحسین فخرآور (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

31- شروین صدیقی (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

32- نغمه امانی (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

33- عبدالله طیب زاده (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

34- سیمین بهاری (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

35- اسماعیل بهبودی (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

36- هلیا کنگرلویی (عضو جنبش مستقل دانشجویی و جنبش آزادی ایرانیان)

37- عبدالصمد کریمی (فعال سیاسی عضو جنبش آزادی ایرانیان محکوم به ۴ سال زندان سیاسی امنیتی)

38- اسد شقاقی (عضو جبهه اتحاد ملی. محکوم به ۴ سال زندان سیاسی)

39- اسماعیل احمدی (عضو جنبش آزادی ایرانیان)

